خارج فقه جلسه 70 - ریا در مستحبات عبادت - 27/10/1401

موضوع: (شرایط وضو - خالص بودن - حکم ریا در اجزای مستحب عبادت - اقوال - ادله - نظر استاد - حکم خطورات قلبی - تعارض روایات - جمع بین روایات)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

جهت ششم: اگر در اجزای مستحب مثل قنوت در نماز ریا کند آیا کل نماز باطل است یا نه؟ دو قول است:

قول اول: سید در عروه قائل به بطلان است هرچند آن جز مستحب باشد باطل است علی الاقوی و این علی الاقوی می‌رساند که قول دیگری هم هست.

قول دوم: و هو المختار که باطل نیست به سه دلیل:

دلیل اول: اجزاء مستحب اجزاء حقیقیه نیستند چون عبادات اجزاء حقیقیه دارند مثلاً نماز که «اولها التکبیر و آخرها التسلیم» یا مثلاً وضو یک حقیقت دارد و آن غسلتان و مسحتان است لذا اگر جز مستحبی ریا شود لطمه‌ای به وضو یا نماز نمی‌زند.

دلیل دوم: اگر کسی جز مستحبی را ترک کند هیچ دلیل الزام‌آوری بر تدارک آن جزء فوت شده نداریم چون ترک جزء در بطلان تأثیری ندارد لذا اگر کسی در قنوت ریا کند و قنوت باطل باشد معنایش این است که اصلاً قنوت را به‌جا نیاورده است حال که به‌جا نیاورده نماز باطل نیست و دلیل هم بر جبران نداریم و فقط گناه کرده است.

دلیل سوم: حکمت جعل اجزاء مستحبی ایجاد مزیت در آن فرد است که نماز با اجزای مستحبی اگر اِتیان شود ثواب بیشتری دارد مثلاً اگر کسی وضو را روبه‌قبله بگیرد ثواب بیشتری دارد لذا ریا در جزء مستحبی آن اندازه از بین می‌برد که همان ثواب و فضیلت است نه خود عبادت و فقط عبادت ظرف این جزء مستحبی ریایی شده است بله اگر جزء باطل به‌وسیله ریا محذور دیگری ایجاد کند آن عبادت باطل است مثلاً موالات را از بین ببرد با زیادی عمدیه باطل می‌شود.

جهت هفتم: ریا مطلقا موجب فساد عبادت است یعنی چه ریا اول عبادت باشد یا وسط یا آخر چون ریا شرک به خداست و غیر خدا در عمل وارد شده است حال هرکجای عبادت که باشد فرقی ندارد فقط بین اول عمل با اثنای عمل فرق است که در اثنای عمل آیا قابل تدارک است یا نه؟ که با تدارک آیا باعث زیادی می‌شود یا نه؟ که در بحث جهت پنجم اشاره شد و صاحب جواهر هم قائل به بطلان شد و از خبر یونس بن عمار استفاده کرد که بعداً این بحث بیان می‌شود.

جهت هشتم: اگر کسی بعد از ریا بلافاصله توبه کرد عبادت او همچنان باطل است چون مقتضای اطلاق ادله حرمت ریا اینست که عبادات به محض ریا باطل می‌شود و مقتضای ادله توبه این است که اگر کسی توبه کند گناه او بخشیده می‌شود اما دلالت بر تصحیح عمل ندارد و اثر وضعی همچنان که بطلان است باقی است گرچه اثر تکلیفی که گناه است برداشته شده است.

جهت نهم: اگر نیت ریا کرد نه خود ریا یعنی در دل او به این اندازه افتاد که این حالت من را خوب بود کسی می‌دید مثلاً یا دوست داشت یک لحظه که از او تعریف بکنند مرحوم سید فرمودند که اگر ریای در عمل باعث شود که انسان به سوی عمل حرکت کند مبطل عمل عبادی است اما اگر مجرد خطور در قلب باشد و داعویت به سوی عمل نداشته باشد مبطل نیست و صاحب جواهر همین عقیده را دارد و ظاهر امامیه هم همین است چون آنچه او را به سمت نماز دعوت کرد قصد امتثال امر خدا بود اما یک لحظه ریا خطور کرد یعنی ریا داعویت به سمت عمل نداشت و این همان وسوسه است بله ظاهر روایت سکونی این است که در حد خطور قلبی حرام و مبطل است.

متن روایت: محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: ثلاث علامات للمرائي: ينشط إذا رأى الناس، ويكسل إذا كان وحده، ويحب أن يحمد في جميع أموره.[[1]](#footnote-1)

برای ریا کار سه عمل است یکی اینکه وقتی مردم می‌بینند نشاطی برای او است و وقتی مردم او را نمی‌بینند و تنهاست یک نوع گرفتگی و کسالت دارد و سوم دوست دارد مردم در تمامی امور او را ستایش کنند.

تقریب استدلال: که نشاط و کسالت و حب یک امر درونی است اما ظاهر این امور این است که آثار آن در چهره انسان پیدا می‌شود.

اشکال روایت: این روایت معارض دارد و آن روایت زرراه است.

متن روایت: «محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن جميل بن دراج، عن زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام قال سألته عن الرجل يعمل الشئ من الخير فيراه إنسان فيسره ذلك، قال: لا بأس، ما من أحد إلا وهو يحب أن يظهر له في الناس الخير إذا لم يكن صنع ذلك لذلك».[[2]](#footnote-2) از حضرت پرسید که مردی کار خوبی را انجام می‌دهد و مردم او را می‌بینند و دیدن مردم او خوشحال می‌کند حضرت فرمودند اشکالی ندارد که هیچ مردی نیست که دوست دارد کار خوبش در بین مردم نمایان بشود، ظاهر این روایت این است که اگر برای ریا نباشد عمل صحیح است و صرفاً در حد خطور قلبی باشد اشکالی ندارد.

اما جمع بین این دو دسته روایات: روایت سکونی اشاره به علامات ریا دارد و ناظر به حرمت عمل ندارد اما روایات ریا اشاره به حرمت ریا و نهی تحریمی ‌دارد و مضافاً که روایت امام صادق علیه‌السلام اشاره به کسانی دارند که بسیار ریا می‌کنند که آنها این خصوصیات ریا را دارند اما روایت امام باقر علیه‌السلام اشاره به کسانی دارند که اهل ریا نیستند و فقط به دنبال این هستند که مردم تشکر و قدردانی کنند و کفران نعمت نکنند.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. وسائل ج ۱ ص ۵۴ [↑](#footnote-ref-1)
2. همان ص ۵۵ [↑](#footnote-ref-2)